



معماری و طراحی و نقش آن در کیفیت مسکن روستایی

خدیجه بوزرجمهری^۱، زینب عرفانی^۲، طاهره صادقلو^۳

azar1334@gmail.com-۱

zeinaberfani94@gmail.com-۲

tsadeghloo@um.ac.ir-۳

چکیده:

ساختارهای معماری محیط‌های روستایی برآیندهای با اهمیت فعالیت انسان بشمار می آیند که در طول قرن‌ها مطابق با منطق‌های قوی اجتماع- فرهنگی و محیطی شکل و تحول پیدا کرده‌اند. مسکن یکی از نیازهای اساسی انسان برحسب توسعه و تغییر سطح زندگی ابعاد مختلف و متنوعی پیدا می‌کند. مسکن باکیفیت باید به لحاظ فرمی، زیبا و منطبق با شرایط محیطی، با میزان ماندگاری و طول عمر بالا، رعایت استانداردهای ساخت‌وساز، امنیت بالا و مصرف انرژی پایین است. با توجه به موضوع این پژوهش، تأثیرات طراحی و معماری بر کیفیت مسکن روستایی، هدف از این تحقیق شناخت الگوهای صحیح مسکن روستایی و شیوه‌های معماری مناسب و تأثیرات آنها بر کیفیت و پایداری مسکن در نواحی روستایی است. قدر مسلم ارتقاء کیفیت مسکن روستایی زمینه ساز سلامتی و زیست پذیری بیشتر و مصون ماندن آنان در برابر سوانح طبیعی خواهد شد از آنجای که مسکن و کیفیت آن نقش بسزایی در مناطق روستایی دارد و در این مناطق کمتر به بعد کیفی آن توجه شده است و مسکن غیراستاندارد و دارای استحکام ضعیف و به لحاظ بهداشتی در سطح پایینی قرار دارد باید در شیوه نگرش به طراحی و ساخت مسکن روستایی، به خصوصیات بومی، روش‌های ساخت محلی و تطابق مسکن با نیازهای معیشتی روستائیان اصلاحاتی صورت گیرد و مسائلی مانند مقاومت در برابر زلزله، ملزومات بهداشتی، مباحث زیست محیطی، استفاده از انرژی و مانند آن نیز در طرح مسکن روستایی لحاظ شوند.

واژه های کلیدی: مسکن روستایی، کیفیت مسکن، معماری روستایی، شیوه‌های مناسب طراحی مسکن روستا



مقدمه

معماری روستایی ایران به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی، فعالیت مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموعه‌ای همگن با هویت کالبدی خاص را تشکیل می‌دهد که تجلی کننده ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست این هویت از نفس سکونت و شیوه زیست در روستا نشأت می‌گیرد (زرگر و حاتمی خانقاهی، ۱۳۹۳، ۵۰). مسکن مقوله‌ای است که تمام افراد جامعه بدون در نظر گرفتن نژاد، جنسیت، طبقه اجتماعی و سوابق اخلاقی باید به آن دسترسی داشته باشند و باید وسیله‌ای موثر برای دسترسی یکسان به سایر خدمات، موقعیت‌ها و امنیت و آسایش تمام افراد باشد (پور محمدی، ۱۳۹۳: ۲۵). کیفیت مسکن مقوله‌ای است که مباحث گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. بر اساس اعلام مرکز سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۶ یک پنجم جمعیت جهان فاقد خانه‌های در شان زندگی انسان بودند، که دامنه گسترده‌ای از بی‌سر پناه‌ها و خیابان خواب‌ها تا آلونک‌نشینان را در برمی‌گیرد (Potte&Lloyd-evens, 1998, 137). طراحان نیز عقیده دارند که مفهوم مسکن ایده‌ای مهم و قابل توجهی است. از این رو این مفهوم باید در حد ممکن به طور واضح و به روشنی تعریف شود. طراحان معمولاً با هدف پدید آوردن شرایطی مطلوب و مناسب محیط‌های محیط‌های مسکونی را طراحی می‌کنند. آنها آگاهند که رفتارها به طور عادی در پی یک نیاز انجام می‌گیرد و نیازهای انسان تنها نیازهای حرکتی نیستند، بلکه توجه به نیازهای بسیار وسیعی برای مردمان مختلف و نوع زندگی متفاوت آن‌ها مد نظر است (پورد بهیمی، ۱۳۹۴، ۱۵). زندگی روستایی و نوع نگرش روستاییان به جهان و طبیعت، امکانات و دانش او برای ساخت و تولید؛ و شیوه‌های بهره‌وری باعث می‌شود تا اجزاء محیط به مطلوب‌ترین و در عین حال ساده‌گی و برقراری رابطه‌ای منطقی و مکمل بین آنها، با حداکثر کارایی شکل گیرد.

طرح، تکنولوژی و شیوه ساخت مسکن روستایی، ابعاد، تناسبات، مقیاس و انطباق با شرایط درون و بیرون واحد مسکونی همه و همه از میزان تاثیر و تقویت روابط انسانی با امکانات و شرایط محیط طبیعی و الزاماتی حکایت دارد که بصورت تجربی در طول زمان به صورت اصول، معیارها و کمیت‌هایی در ساختار فضایی مسکن بروز یافته است (سرتیپی پور، ۱۳۸۴، ۴۴). بررسی کیفی در مورد میزان کارایی اجزاء کالبدی مسکن و میزان کارایی سازه در مقابل عوامل مختلف است که می‌تواند مبنای تدوین سیاست‌ها و رهنمودهای عملی برای ارتقاء کالبدی مسکن باشد (موهبتی و طابعی، ۱۳۹۳، ۱۰۸). در این میان ناحیه وابسته به معماری یا مسکن روستایی یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده توسعه کالبدی در سطح سکونتگاه‌های روستایی است که نمودی از فرهنگ و چشم انداز جامعه روستایی را نشان می‌دهد. همگام با تغییرات گسترده در کاربری‌های اراضی و محیط طبیعی، مسکن روستایی و معماری سنتی آن نیز دچار تغییرات گسترده‌ای شده است. مواد و مصالح ساختمانی و پلان معماری اغلب با گذشته تفاوت دارند و با محیط طبیعی پیرامون خود هماهنگ نیستند. بیشتر ساختمان‌ها همچنان قدیمی هستند و استحکام چندانی ندارند (پور طاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۹-۱۳۰). از دیگر مشکلات اساسی خانه‌های روستایی کشور، پایین بودن کیفیت آنها از نظر روش ساخت و کاربرد مصالح ساختمانی مرغوب است. این مشکلات اساسی از عوامل آسیب‌پذیری شدید بناهای روستایی در برابر بلایایی طبیعی، مانند سیل و زلزله، از یک سو، رانش خاک و لغزش زمین، از سوی دیگر، بوده است؛ به گونه‌ای که با رخ دادن هر یک از سوانح، نه تنها دام و طیور و ساختمان‌ها و اسباب و لوازم درون آنها، یعنی بخش مهمی از سرمایه ملی، از بین می‌رود، بلکه مهم‌تر از آن، جان سرمایه‌های انسانی یا ساکنان این گونه بناهای «بی کیفیت» نیز در معرض خطر قرار می‌گیرد (شهبازی، ۱۳۸۹: ۲۲۹-۲۳۰). معماری واحدهای مسکونی و سایر فضاهای فعالیتی در روستاها و نیز مصالح ساختمانی مورد استفاده در ساخت و سازها از شرایط محیطی محلی و نیز آگاهی‌های جامعه روستایی تاثیر می‌پذیرد. آشنایی جامعه روستایی با الگوهای معماری جدید در شهرها و گسترش علائق مبتنی بر فرهنگ زندگی شهری در روستاها می‌تواند الگوی معماری روستایی را از شکل بومی خارج سازد و مشکلات دیگری را سبب شود. با وجود این، شناخت عوامل گوناگون موثر در معماری و خصوصیات مسکن روستایی می‌تواند واقعیات



قابل توجهی را برای هدایت برنامه ریزی های طرح روستایی در زمینه معماری و مسکن روستایی فراهم آورد (مرادی اسطخ زير، ۱۳۹۴، ۳۸۲) که مورد توجه این مقاله است. بنابراین هدف از این تحقیق شناخت الگوهای صحیح مسکن روستایی و شیوه های معماری مناسب و تاثیرات آنها بر کیفیت و پایداری مسکن در نواحی روستایی است. قدر مسلم ارتقاء کیفیت مسکن روستایی زمینه ساز سلامتی و زیست پذیری بیشتر و مصون ماندن آنان در برابر سوانح طبیعی خواهد شد. لذا تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که نوع طراحی و معماری تا چه ميزانی بر کیفیت مساکن روستایی تاثیر داشته است؟

پیشینه تحقیق:

در خصوص انواع طراحی و معماری مسکن روستایی و تاثیر آنها بر کیفیت مساکن تحقیقاتی انجام گرفته است که به مهمترین یافته های آنها در قالب جدول زیر اشاره شده است:

جدول ۱- پیشینه مطالعات مرتبط با معماری و طراحی و نقش آن در کیفیت مسکن روستایی

نام نویسنده	عنوان مقاله	یافته ها
محسن سرتیپی پور/۱۳۸۴	شاخص های معماری مسکن روستایی در ایران	این مقاله با تعریف و تدوین شاخص های مسکن روستایی و شناخت عناصر، کمیت ها و کیفیت های فضایی آن؛ تفاوت های موجود در نیازهای کمی و کیفی مسکن در مناطق مختلف کشور را نشان داده و با تأکید بر ضرورت پرهیز از برنامه ها و اقدامات یکسان و مشابه در مناطق روستایی؛ بستر لازم برای تصمیم گیری متناسب باقوت ها و ضعف های مسکن در پهنه های مختلف جغرافیایی کشور را مهیا سازد.
محمودی و نیک قدم ۱۳۸۷	کاهش آلودگی های محیطی ناشی از توسعه مسکن با راهکارهای طراحی معماری	مطالعات نظری با نقاط ضعف و قوت منتج از مطالعات میدانی راهکارهای برای برنامه ریزی و طراحی واحدهای مسکونی پیرامون تهران پیشنهاد شده است. این راهکارها در موضوعات مطالعات بوم شناختی و طراحی مبتنی بر خصوصیات و منابع مربوط به هر محل، طراحی اقلیمی، طراحی بر اساس فرهنگ و معیشت ساکنان و بکارگیری مصالح مناسب برای رسیدن به معماری پایدار است
مهدی قرخلو، حسین کلانتری، محمد اسکندری نوده ۱۳۸۷	بررسی دگرگونی در ساختار کالبدی و معماری روستاها و تشکیل روستا- شهر (مطالعه موردی: آلارد و پرن	نتایج بررسی بیانگر آن است که بیشترین پراکندگی ساختمان های یک طبقه با مصالح کم دوام در نقاطی مشاهده می شوند که جزو هسته های اولیه و روستایی بوده اند و به عبارتی بنیان های فیزیکی و کالبدی دو روستا آلارد و پرن را تشکیل می دهند.
سرتیپی پور، ۱۳۸۸	در کتابی تحت عنوان "آسیب شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه های مطلوب"	معتقد است، کمی گرایی در برنامه های توسعه و توجه به افزایش تعداد واحدهای مسکونی سبب شده است تا شاخص های مهمی که در تحقق مسکن مطلوب موثرند، مانند شناخت مشخصات و نیاز خانوار، ارزش های بومی، اصول و ضوابط طرحی و اجراء، نظارت بر کیفیت اجراء و هدایت در الویت قرار نگیرند. تداوم چنین روندی، مسکن روستایی را به طراحی و ساخت بناهای یک شکل و یک اندازه سوق خواهد داد (ص. ۱۸-۱۹).

<p>نتایج نشان می دهد که عوامل جغرافیایی چون توپوگرافی، جهت باد و سایر عناصر اقلیمی در معماری مسکن بسیار موثر است. ضمن اینکه فرم و کارکرد مسکن در محدوده مطالعاتی به تناسب برخورداری از شبکه های ارتباطی مناسب و دوری و نزدیکی به مراکز شهری، تفاوت های آشکاری با یکدیگر نشان می دهد.</p>	<p>تحلیل جغرافیایی مسکن و معماری در دهستان میانبند شهرستان نور</p>	<p>آمار و نایج ۱۳۹۰</p>
<p>معتقدند که عوامل گوناگون که در شکل بخشیدن به معماری یک منطقه موثرند و سبب تمایز ساختمان های آن دیار از بناهای سایر سرزمین ها می شوند عواملی چند از اهمیت بسزایی برخوردارند از جمله عوامل جغرافیایی، عوامل اقتصادی و اجتماعی و مصالح ساختمانی که بیشتر مورد توجه معماری روستایی است (ص. ۱۳).</p>	<p>در کتابی تحت عنوان "معماری روستایی"</p>	<p>فاتح و داریوش ۱۳۹۰</p>
<p>در این مقاله مهمترین مولفه های تاثیرگذار بر کیفیت زندگی در جوامع روستایی را شاخص های کیفیت آموزش، امنیت، کیفیت زیر ساخت ها، کیفیت محیط مسکونی، کیفیت محیط فیزیکی، کیفیت اشتغال و درآمد، معرفی شده.</p>	<p>ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی</p>	<p>پور طاهری و همکاران ۱۳۹۰</p>
<p>در این مقاله سعی شده است عوامل موثر بر تغییرات ساخت ساز مسکن روستایی و چگونگی عملکرد صحیح آن در توسعه روستا را روشن سازد و با ارائه راهکارهایی مناسب در راستای تداوم مسکن روستایی گام برداشته و به عنوان یک جزو اساسی موجبات پایداری در روستا را فراهم آورد.</p>	<p>تداوم معماری مسکن روستایی با انگیزه توسعه پایدار روستایی</p>	<p>زندیه و حصاری ۱۳۹۱</p>
<p>بدون داشتن یک مسکن با کیفیت و خوب، یک فرایند اجتماعی مطلوب نمی تواند وجود داشته باشد. طراحی چارچوب کلی ساختمانها می تواند اقدامی در جهت کمک به حفظ اجتماعات از طریق طراحی خوب و هماهنگ با محیط باشد. در واقع زمینه ها و عوامل بسیاری در بیرون از کنترل معماران وجود دارد که به همان میزان از اهمیت برخوردارند از جمله؛ حمل و نقل یا کلیت شرایط موجود، طراحی چشم انداز، تراکم و نوع مسکن (ص. ۲۲).</p>	<p>کتابی تحت عنوان مسکن پایدار</p>	<p>ادواردز و تورنت، ۱۳۹۳</p>
<p>هدف از این پژوهش شناخت الگوهای بهینه مسکن و نقش آن بر توسعه پایدار روستا می باشد. نتایج حاکی از این بررسی آن است. که بین عوامل پنج گانه موثر (طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، فضایی) بر ساخت مسکن عامل اقتصادی بیشترین تاثیر را دارد.</p>	<p>شناخت و الویت بندی الگوهای مسکن روستایی در توسعه پایدار معماری روستا با استفاده از تکنیک MADM شهرستان ماسال</p>	<p>مرادی اسطخ زبیر، ۱۳۹۴</p>
<p>رضایتمندی از مسکن جدید مواردی چون کیفیت بهر فیزیکی و مقاومت بیشتر آن در برابر حوادث طبیعی، نمای بیرونی بهتر، مصالح و امکانات مناسب به کار رفته در داخل بنا، محافظت بهتر در برابر عوامل طبیعی، تسهیلات و امکانات رفاهی و به طور کلی احساس راحتی و آسایش بیشتر را در بر می گیرد.</p>	<p>بررسی رضایتمندی روستائیان از کیفیت مسکن جدید روستایی</p>	<p>عظیمی و فاروقی، ۱۳۹۴</p>
<p>نتایج نشان میدهد کارکرد پذیری مسکن بیشترین رابطه را با موقعیت قرار گیری فضاهای مختلف و ارتباط بین آنها در پلان دارد که حکایت گر اهمیت نقش هندسه پلان در تامین کارکرد پذیری می باشد. نکته دیگر اهمیت کارکرد پذیری نشیمن و پذیرایی در ارزیابی کل مسکن می باشد. در نهایت راهکارهایی را برای ارتقای شاخص های کارکرد پذیری مسکن، نظیر تنظیم نسبت ابعادی فضاها با یکدیگر و چگونگی کاهش فضاها بلا استفاده ارائه می دهد</p>	<p>ارزیابی و تحلیل کارکرد پذیری طرح های معماری مسکن در اندازه کوچک</p>	<p>انصاری، ۱۳۹۴</p>

در این مقاله به چنین نتایجی دست یافته است که یکی از مشکلات اساسی مسکن در مناطق روستایی نیجریه و دیگر کشورهای در حال توسعه، کیفیت پایین مسکن روستایی است و به مسئله مسکن روستایی نسبت به مسکن شهری توجه کمتری هم از سوی سیاست گذاران و هم از سوی محققان شده است	کیفیت مسکن در نیجریه	آگه ^۱ ۱۹۹۴
در مقاله نشان داده اند که وضعیت اقتصادی اجتماعی جوامع به طور قابل توجهی به کیفیت مسکن مربوط می شود.	اقدامات کیفیت مسکن در یک منطقه روستایی از فیلیپین	بکی عشق و بونس ۱۹۹۷

روش شناسی

روشی که در این پژوهش گرفته شده با توجه به کنکاش در معماری مسکن روستایی و کیفیت مسکن به صورت توصیفی- تحلیلی و روش جمع آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و میدانی است. در این مطالعات به چگونگی کیفیت مسکن در مناطق مختلف روستایی و نوع مصالح محیط پیرامون و عوامل اقتصادی و فرهنگی تاثیر گذار و نقش و تاثیر طراحی و معماری بر کیفیت مسکن، مسائلی مانند مقاومت، ملزومات بهداشتی و مباحث زیست محیطی مورد بررسی قرار گرفته است.

مفاهیم و مبانی نظری

مفهوم مسکن با کیفیت و شاخص ها

مسکن روستایی هویت بخش کالبد روستا و تبیین کننده بسیاری از ویژگی های تاریخی فرهنگی و معماری آن است و برخلاف مسکن شهری فقط محل سکونت و استراحت خانواده نیست، بلکه به اقتضای نوع کارکرد اقتصادی خانواده مرکز نگهداری و پرورش دام و طیور، تولید فراورده های دامی، محل کارگاه صنایع دستی و نیز نگهداری وسایل تولید و محصولات کشاورزی است (امیری، ۱۳۹۳: ۹۰-۹۱). بی تردید اولین خاطرات و تجارب انسان در خانه به وجود می آید که نقش موثری در جهان بینی جامعه دارد. عدم توجه به انسان، نحوه کار، شیوه زندگی، خواسته ها و تجارب او در طراحی مسکن امروز و روی آوردن به معماری وارداتی، پایین آمدن کیفیت زندگی مسکونی، از بین رفتن حیات، سر زندگی، تحرک، بحران مسکن و همچنین، بحران حس تعلق و هویت را به همراه داشته است (عسکری رابری و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۷۸). بر این اساس، مسکن با کیفیت به معنی یک مسکن مناسب است که به لحاظ فرمی، زیبا و منطبق با شرایط محیطی، با میزان ماندگاری و طول عمر بالا، رعایت استانداردهای ساخت و ساز، امنیت بالا و مصرف انرژی پایین است. لذا از لحاظ اقتصادی (باصرفه و به محل اشتغال نزدیک و ..)، اجتماعی (ایجاد همبستگی اجتماعی، سلامت و استقلال فردی و ...) و کالبدی- محیطی (زیبایی و انطباق با شرایط محیطی) باید دارای کیفیت مناسب باشد؛ زیرا کیفیت مسکن، تأثیر قابل توجهی بر روی شیوه های زندگی، مسائل جسمی و روانی افراد، سلامت، برخورداری از امکانات، امنیت و برخورد با افراد دیگر اجتماع دارد. کیفیت مسکن، از جنبه های عینی و ذهنی قابل تأویل و تبیین است اما نکته مهم اینکه، عمدتاً کیفیت مسکن جنبه ذهنی داشته ولی جنبه های عینی نیز در راستای ایجاد رضایتمندی و افزایش کیفیت زندگی است. تجربه کشورهای دیگر نیز نشان می دهد که پرداختن صرف به امر تأمین کمی مسکن و نادیده گرفتن جنبه های کیفی، به مفهوم به مخاطره افکندن بخشی از ذخیره مسکن است که تنها با ملاحظات کمی ایجاد می شود.



بنابراین توجه به ابعاد کیفی مسکن همراه با پرداختن به جنبه های تأمین کمی نیازهای مسکن، باید به یکی از اجزاء ضروری برنامه های مسکن بدل شود (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۸-۱۳۹).

عوامل موثر بر کیفیت و معماری مسکن روستایی

خصوصیات کالبدی ساخت سکونتگاه ها تحت تاثیر دو گروه کلی عوامل مرتبط با محیط یا طبیعت و انسان شکل می گیرد (مرادی اسطخ زیر، ۱۳۹۴: ۳۸۵) به گونه ای که اغلب در معماری بومی مشاهده می کنیم که مواد ساختمانی خانه های روستایی بویژه بناهای سنتی، تا حد زیادی به محیط پیرامون وابسته است؛ در نواحی جنگلی مواد گیاهی و چوب تا حد زیادی کاربرد دارد و در نواحی خشک و نیمه خشک، خاک رس و گل و در نقاط کوهستانی نیز غالباً سنگ مورد استفاده قرار می گیرد در خصوص مواد و مصالح ساختمانی بومی، شاهد آن هستیم که توسعه ارتباطات و وسایل حمل و نقل، تغییرات دامنه داری را در کاربرد انواع مواد و مصالح ساختمانی پدید آورده است (سعیدی، ۱۳۸۱: ۷۸). نقش عوامل طبیعی هم در الگوی ترکیب مصالح ساختمانی و هم اندازه و ابعاد فضایی مسکن در روستا تعیین کننده است. عوامل اقتصادی و فرهنگی نیز در دهه های اخیر با فراهم شدن امکانات کاربرد مصالح ساختمانی و الگوهای طراحی و معماری غیر بومی در روستاها، بر شکل گیری خصوصیات جدید مسکن روستایی موثر بوده اند. از سویی سیاست های دولت که عمدتاً از طریق ارائه تسهیلات مالی برای دریافت مسکن مقاوم که تقریباً خارج از توان اکثریت جامعه روستایی است، در این تغییرات موثر بوده است (بدری و موسوی، ۱۳۸۹: ۵). بعد از انقلاب اسلامی در کشور، کمبود مسکن چه از نظر کیفی و چه از لحاظ کمی در روستا احساس شد و خانواده های روستایی به احداث خانه های جدید اقدام کردند. وجود خانه های نوساز آجری با پوشش ورقه های آهنی سفید، آسفالت یا موزائیک در کنار اتاق های گلی و کاهگلی و نیز احداث خانه های ویلایی به سبک خانه های شهری نمونه ای از این تغییرات است، که ضرورت دارد در شیوه نگرش به طراحی و ساخت مسکن روستایی، به خصوصیات بومی، روش های ساخت محلی و تطابق مسکن با نیازهای معیشتی روستائیان اصلاحاتی صورت گیرد و مسائلی مانند مقاومت در برابر زلزله، ملزومات بهداشتی، مباحث زیست محیطی، استفاده از انرژی و مانند آن نیز در طرح مسکن روستایی لحاظ شوند (زندیه و حصاری، ۱۳۹۱: ۶۴). نبود مقاومت بافت ها در برابر سوانح ویرانگر، هماهنگ نبودن طراحی مسکن با معماری بومی و اقلیمی محل، نارسایی های حاد تاسیسات، تجهیزات و تسهیلات زیر بنایی، همچنین ضعف برنامه ریزی و رشد نامطلوب دسترسی ها و نارسایی آنها از جمله معضلات اینگونه بافت ها است (محمودی و نیکقدم، ۱۳۸۷، ۲۸). از این رو یکی شاخص های عمده کیفیت مسکن، مقاومت سازی است که الزاماتی را برای استفاده از مصالح ساختمانی خاص، نیروهای ماهر انسانی و تکنولوژی ساخت ایجاد می کند که هر یک می تواند در نظام عملکردی، نظام ارتفاعی و سیمای کالبدی خانه های روستایی و نیز بافت روستا موثر باشد ولی در کل شکل گیری مسکن روستایی تابعی از شرایط فرهنگی، اقلیمی، اقتصادی، معیشتی و تکنیک ساخت جامعه استفاده کننده است که بایستی در بحث کیفیت مسکن لحاظ شود (Moini, 2008, 48).

بنابراین عوامل متعددی در چگونگی کیفیت مسکن روستایی موثر است و " بافت کالبدی فیزیکی به عنوان تجلی گاهی از شیوه زیستی - فرهنگی (چه نتیجه یک روند شکل پذیری مبتنی بر برنامه و یا حاصل برپایی و گسترش خود به خودی باشد) در گذر زمان و با تغییر در ساختار و کارکردها و پدید آمدن نیازمندی های نوین ایجاد شده است ولی اگر این تغییرات نتواند خود را با شرایط زمان و مکان آن جامعه سکونتگاهی وفق دهد، به مرور باعث ایجاد توسعه نیافتگی و آشفتگی کالبدی خواهد گشت. با این تحولات فضایی در عرصه روستاها و بروز مشکلات و نارسایی های منتج از آن در شیوه سکونت و به دنبال آن تاثیر پذیری از محیط شهری، بافت و سیمای فضایی - کالبدی روستاها به شدت دست خوش دگرگونی و تحول گردیده و به شدت بر الگوهای معماری بومی و هویتی روستاها تاثیرات منفی گذاشته است. جامعه ای که سازمان فضایی و نحوه استقرار و معماری آن در بعد مسکن، بیانگر کیفیت استفاده از محیط و چگونگی تاثیر اقتصاد، سنت ها و هنارهای حاکم بوده است " (ملکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲، به نقل از سرتیپی پور،



۱۳۸۷: ۱۲۵). اکنون در حال اضمحلال و بی هویتی است و عمدتاً ارکان اساسی مسکن نظیر امنیت، مطلوبیت و انطباق بر توان مالی خانوارها در راس معیارها بر اساس اولویت‌ها، تمایلات و ترجیحات مصرف‌کنندگان مسکن شکل می‌گیرد. مردم به دنبال مسکنی هستند که از عهده مالی آن برآیند، قابل دسترس باشد، از نظر فیزیکی امن بوده، به طور مناسبی طراحی شده و در مکان مناسبی قرار داشته باشد. بنابراین، مسکن به یک واحد فیزیکی صرف نمی‌تواند محدود باشد، بلکه محیط مسکونی را شامل می‌شود که کلیه خدمات و تسهیلات ضروری را نیز شامل شود. که در آن رفاه، اشتغال، آموزش و سلامت مدنظر قرارگیرد (انصاری، ۱۳۹۴، ۹۶). از این رو شاخص‌های کیفی مسکن در نواحی روستایی گسترده‌تر از گذشته شده است.

عوامل اقتصادی - اجتماعی نظیر کمبود درآمد، توزیع نامناسب ثروت و کار، کمبود اعتبارات و منابع مالی می‌توانند به بروز مشکلات و آشفتگی‌های کالبدی نظیر فرسودگی بافت و منازل، کاهش کیفیت ساخت و سازها، به کارگیری مصالح نامرغوب، بی توجهی به استحکام و زیبایی و در نتیجه به کاهش عمر مفید مسکن و بافت منجر شوند (سرتیپی پور ۱۳۸۸: ۸۰). در مناطق روستایی واحد مسکونی چه به صورت فردی باشد و چه در رابطه با کل روستا، جهت‌گیری تولیدی خاصی را نشان می‌دهد. در همین راستا عواملی در برپایی نوع مسکن روستایی و تغییرات معماری و چگونگی آرایش فضای داخلی آنها، موثر بوده است که ناشی از میزان درآمد و سرمایه‌گذاری خانوارها و مصالح قابل دسترس، کاربری‌ها و سایر عوامل فرهنگی و اجتماعی است (فرهادی قولیانلو، ۱۳۹۵، ۷۴). بنابراین تامین مسکن روستایی که قاعدتاً با هدف نیل به کیفیت فضایی مطلوب‌تر دنبال می‌شود، نیازمند تفکری جامع‌نگر در توسعه فضایی کالبدی، برنامه‌ریزی، طراحی و اجراء، همچنین اطلاع از کم و کیف ویژگی‌های معماری روستایی در مناطق مختلف، توانایی‌ها و کاستی‌های موجود در این زمینه است (Sartippi-Poor, 2006.47).

جمع بندی و نتیجه گیری:

همان گونه که قبلاً ذکر شد. پژوهش‌های انجام گرفته نتایج متفاوتی داشته است. محسن سرتیپی پور / ۱۳۸۴، ۱۳۸۸، این مقاله تفاوت‌های موجود در نیازهای کمی و کیفی مسکن در مناطق مختلف کشور را نشان داده و عدم توجه به کیفیت که طراحی مسکن روستایی به سوی برنامه‌ها و اقدامات یکسان و مشابه در مناطق روستایی سوق می‌دهد. مهدی قرخلو، همکاران، ۱۳۸۷، نتایج بررسی بیانگر آن است که بیشترین پراکندگی ساختمان‌های یک طبقه با مصالح کم‌دوام در نقاطی مشاهده می‌شوند که جزو هسته‌های اولیه و روستایی بوده‌اند. محمودی و نیک قدم ۱۳۸۷، مطالعات بوم‌شناختی و طراحی مبتنی بر خصوصیات و منابع مربوط به هر محل، طراحی اقلیمی، طراحی بر اساس فرهنگ و معیشت ساکنان و بکارگیری مصالح مناسب برای رسیدن به معماری پایدار را ذکر کرده‌اند. آمار و نائج ۱۳۹۰، عوامل جغرافیایی و اقلیمی را بر معماری مسکن موثر می‌دانند. زندیه و حصار ۱۳۹۱، عوامل موثر بر تغییرات ساخت ساز مسکن روستایی و چگونگی عملکرد صحیح آن در توسعه روستا را روشن سازد و با ارائه راهکارهایی مناسب در راستای تداوم مسکن روستایی گام برداشته‌اند. فاتح و داریوش ۱۳۹۰، مرادی اسطخ زیر، ۱۳۹۴ معتقدند، عواملی چند از اهمیت بسزایی برخوردارند از جمله عوامل طبیعی، عوامل اقتصادی و اجتماعی و مورد توجه معماری روستایی است. ادواردز و تورنت، ۱۳۹۳ معتقدند، طراحی چارچوب کلی ساختمانها می‌تواند اقدامی در جهت کمک به حفظ اجتماعات از طریق طراحی خوب و هماهنگ با محیط باشد. در واقع زمینه‌ها و عوامل بسیاری در بیرون از کنترل معماران وجود دارد که به همان میزان از اهمیت برخوردارند از جمله؛ حمل و نقل یا کلیت شرایط موجود، طراحی چشم انداز، تراکم و نوع مسکن را مورد توجه قرار داده‌اند (ص. ۲۲). عظیمی و فاروقی، ۱۳۹۴، معتقدند، رضایت‌مندی از مسکن جدید مواردی چون کیفیت بهتر فیزیکی و مقاومت بیشتر آن در برابر حوادث طبیعی، نمای بیرونی بهتر، مصالح و امکانات مناسب به کار رفته در داخل بنا، محافظت بهتر و آسایش بیشتر را دربرمی‌گیرد. پور طاهری و همکاران، ۱۳۹۰ و



اگه ۱۹۹۴، بکی عشق و بونس ۱۹۹۷، کیفیت مسکن در مناطق روستایی را مورد مطالعه قرار داده اند. انصاری ۱۳۹۴، کارکردپذیری مسکن بیشترین رابطه را با موقعیت قرار گیری فضاهای مختلف و ارتباط بین آنها در پلان دارد که حکایت گر اهمیت نقش هندسه پلان در تامین کارکردپذیری می باشد.

تحقیق حاضر برای پاسخ به این سوال است معماری و طراحی تا چه میزان بر کیفیت مسکن در مناطق روستایی موثر است. بررسی عوامل بوم، معیشت و مسائل اجتماعی و اقتصادی برای طراحی مسکن در هر روستا ضروری است. و برای ساختن مسکن باکیفیت، طرح مسکن در روستا، ساختن همچون گذشته نیست بلکه پاسخگویی به نیازهای امروز نیز هست. مسکن سنتی از لحاظ انطباق با نیازهای زیستی - معیشتی و ویژگی های بوم آورد، نسبتا مطلوب است، اما از لحاظ بهداشت، و مصالح و استحکام کاستی های دارد. از سوی دیگر، مسکن جدید، اغلب با بی توجهی به نیازهای زیستی - معیشتی و ویژگی های محیط زیست طبیعی همراه بوده است. معماری و طراحی مسکن روستایی اغلب به عوامل طبیعی و اقلیمی در مناطق مختلف و نوع مصالح محیط پیرامون و عوامل اقتصادی و فرهنگی، و الگوهای طراحی و معماری در روستاها، بر شکل گیری خصوصیات کیفیت مسکن روستایی موثر بوده اند. و مسائلی مانند مقاومت در برابر زلزله، ملزومات بهداشتی، مباحث زیست محیطی، استفاده از انرژی و مانند آن نیز در طرح مسکن روستایی ملحوظ شود و تمام جوانب در توسعه فضایی - کالبدی، برنامه ریزی طراحی و اجرا و مهم تر از جنبه های شغلی و اقتصاد معیشتی حاکم بر روستا مورد بررسی قرار گیرد. یکی از ارکان نظام طراحی ساخت و تامین مسکن روستایی؛ ارزیابی شاخص ها می باشد با استفاده از این شاخص ها می توان مسکن روستایی را ارزیابی کرد عواملی در ساخت مسکن مورد توجه قرار می گیرد مانند رضایت از مسکن، فرم مطلوب مسکن، استحکام مسکن، امنیت مسکن ایمنی و راحتی، پلان معماری، میزان دسترسی و نیز فاصله مناسب به تسهیلات و خدمات کالبدی از مهمترین معیارها در کیفیت مناسب مسکن هستند و بنابراین با توجه به تفاوت های اجتماعی، فرهنگی، اقلیمی، و کالبدی در روستاها، مسکن روستایی با توجه به وضعیت شاخص ها و میزان فاصله آنها از شرایط مطلوب اولویت گذاری شود.

منابع:

- [1] زرگر، اکبر و حاتمی خانقاهی، ۱۳۹۳، وجوه موثر بر طراحی مسکن روستایی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۸، زمستان، ص. ۴۲-۶۲
- [2] پور محمدی، محمد رضا، ۱۳۹۳، برنامه ریزی مسکن، چاپ دوازدهم، نشر سمت، تابستان، چاپ دوازدهم.
- [3] پودر یهیمی، شهرام، ۱۳۹۴، منظر انسانی در محیط مسکونی، نشر آرمان شهر، چاپ اول.
- [4] سرتیپی پور، محسن، ۱۳۸۴، شاخص های معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، تابستان، ۴۳-۵۲.
- [5] موهبتی، نیما و طابعی، ۱۳۹۳، مهدیه، بررسی نقش طراحی و معماری در انبوه سازی مسکن (نمونه موردی: مقایسه مجموعه مسکونی در ملبورن استرالیا با مجموعه مسکن مهر شهر پردیس در تهران)، مدیریت شهری، شماره ۳۶، پاییز، ۱۰۵-۱۲۴.
- [6] پور طاهری، مهدی و رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و بدری، علی، (۱۳۹۰)، راهبردها و سیاست های توسعه کالبدی سکونتگاه های توسعه کالبدی سکونتگاه های روستایی (با تاکید بر تجربیات جهانی و ایران)، نشر: تهران؛ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، چاپ اول
- [7] شهبازی، اسماعیل (۱۳۸۹)، درآمدی بر آسیب شناسی توسعه روستایی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،
- [8] مرادی اسطخ زبیر، گیتی، ۱۳۹۴، شناخت و الویت بندی الگوهای صحیح مسکن روستایی در توسعه پایدار معماری روستا با استفاده از تکنیک های MADM شهرستان ماسال، مدیریت شهری، شماره ۴۰، ۳۸۳-۳۹۸.



- [9] محمودی، محمد مهدی و نیکقدم، نیلوفر، ۱۳۸۷، کاهش آلودگی های محیطی ناشی از توسعه مسکن با راهکارهای طراحی معماری (مطالعه موردی بافت های مسکونی پیرامون تهران)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، پاییز، صص. ۲۷-۳۸
- [10] قرخلو، مهدی و کلانتری، حسین و اسکندری نوده، محمد، ۱۳۸۷، بررسی دگرگونی در ساختار کالبدی و معماری روستاها و تشکیل روستا-شهر (مطالعه موردی: آلود و پرندهک)، پژوهش های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۰، شماره ۶۵، صص ۵۳-۷۰.
- [11] سرتیپی پور، محسن، (۱۳۸۸)، آسیب شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران دانشگاه شهید بهشتی
- [12] آمار، تیمور و نائیج، فرشاد، ۱۳۹۰، تحلیل جغرافیایی مسکن و معماری در دهستان میانبند شهرستان نور، مسکن محیط روستا، شماره ۱۳۵، پاییز، صص. ۴۳-۵۶.
- [13] فاتح، محمد و داریوش، بابک، ۱۳۹۰، معماری روستایی، نشر تهران علم و دانش، چاپ سوم
- [14] پور طاهری، مهدی و رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و بدری، علی، (۱۳۹۰)، راهبردها و سیاست های توسعه کالبدی سکونتگاه های توسعه کالبدی سکونتگاه های روستایی (با تاکید بر تجربیت جهانی و ایران)، نشر: تهران؛ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، چاپ اول
- [15] زندیه، مهدی و حصار، پدram، ۱۳۹۱، تداوم معماری مسکن روستایی با انگیزه توسعه پایدار روستایی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۸، تابستان، صص. ۶۳-۷۲.
- [16] ادواردز، برایان و تورنت، دیوید، ترجمه محمود شورچه، ۱۳۹۳، مسکن پایدار روستایی (اصول و اجرا)، چاپ اول، نشر تهران انتشارات مدیران امروز
- [17] عظیمی، نورالدین و محمدرضا فاروقی، (۱۳۹۴)، بررسی رضایتمندی روستائیان از کیفیت مسکن جدید روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، سال سی و چهارم، شماره ۱۵۱، صص ۹۴-۸۱.
- [18] انصاری، حمیدرضا، ۱۳۹۴، ارزیابی و تحلیل کارکرد پذیری طرح های معماری مسکن در اندازه کوچک، (نمونه موردی: پنجاه هزار واحدی نمونه مسکن مهر)، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۲۰، شماره ۳، پاییز، صص ۹۵-۱۰۴.
- [19] امیری، ابراهیم (۱۳۹۳)، مقدمه ای بر شناخت مسکن و سکونتگاه های روستایی در ایران، نشر بجنورد انتشارات جهانی، چاپ اول
- [20] عسکری رابری، اباصلت و عباس زاده، شهاب و آبرون، علی اصغر، ۱۳۹۴، بررسی فضایی- کالبدی تاثیرگذار بر مسکن روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دیزبالا، فریزی و آیدلیک)، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، سال ۴، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۲، زمستان، صص. ۱۷۷-۱۹۳.
- [21] سجاسی قیداری، حمداله و صادقلو، طاهره و محمودی، حمیده (۱۳۹۴)، ارزیابی کیفیت مسکن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: دهستان کنویست شهرستان مشهد)، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، سال ۴، شماره ۱، شماره پیاپی ۹، بهار، صص. ۱۴۸-۱۳۳.
- [22] سعیدی، عباس (۱۳۸۱)، مبانی جغرافیایی روستایی، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم
- [23] بدری، سید علی و موسوی، سیروس، ۱۳۸۹، تحلیل بر روند تغییرات برخی از ویژگی های مسکن روستایی در ایران، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، بهار، صص ۱-۱۴.
- [24] ملکی، سعید و حسینی کهنوج، رضا و ویسی، الهام و رحمانی لیر، پیروز، ۱۳۹۵، تحلیل فضایی و سنجش کمی شاخص های مسکن روستایی ایران، فصلنامه اقتصاد فضا توسعه روستایی، سال پنجم شماره ۱، پیاپی ۱۵، بهار، صص. ۲۱-۳۱.



[25] فرهادی قولیانلو، محمدیار، ۱۳۹۵، ارزیابی نقش وام های طرح ویژه مسکن بهسازی مسکن روستایی بر بافت و معماری روستا ها با استفاده از مدل تحلیلی SOWt (نمونه موردی: روستای نوده شهرستان بجنورد)، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۳، بهار، صص: ۷۳-۸۲.

[26] Potter, R. B, Lloyd Evans, S (1998), The City in the Developing World, Addison Wesley Longman, Harlow.

[27] Ogu Vincent Ifeanyi, (1994), Rural housing quality in Nigeria: A case study from Imo, osmani journal of social sciences Volume 18, pp 53-65.

[28] Prince Osei-Wusu Adjei, & Ohene kyei, Peter, (2013). Linkages between income, housing quality and disease occurrence in rural Ghana Journal of Housing and Built Environment March 2013, Volume 28, Issue 1, pp 35-49

[29] Moini M. (2008). Study the Process of Forming House in New Tribal Villages Case Study: GoL-- Afshan New Village Semirom- Esfahan , Journal of Fine Arts, 33, 47-5

[30] Sartippi-Poor M. (2006), Rural Housing in Develop Programs, Journal of Fine Arts, 27..